

گردشگری

وزیر گردشگری:

طرفدار لغو ویزا هستم

وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی گفت: با لغو ویزا موافق هستیم، هر چند در این زمینه تنها نظر من مهم نیست و ملاحظات بین‌المللی در آن تأثیر دارد و باید از نظر ملی و حاکمیتی جمع‌بندی شود.

به گزارش ایسنا، سعید عزت‌الله ضرعانی درباره اقدامات وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی برای لغو ویزای ایران با کشورهای خارجی، اظهار کرد: من به لحاظ جایگاه و مأموریت خود، به عنوان وزیر گردشگری باید دنبال تسهیل رفت‌وآمد گردشگران و لغو ویزا باشم، بنابراین طرفدار لغو ویزا هستم.

وی افزود: هر چه روایید بیشتر لغو ویزا و تباط کشورها با ایران تسهیل شود، گردشگری رونق بیشتری می‌گیرد، اما نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که در این زمینه تنها نظر من مهم نیست و ملاحظات بین‌المللی و... نیز در آن تأثیر دارد و باید از نظر ملی و حاکمیتی، جمع‌بندی‌های لازم صورت گیرد.

ضرعانی بایان این که در لغو ویزا با کشورهای خارجی، سایر حوزه‌ها به ویژه وزارت امور خارجه نقش مهم و اصلی دارند، به خبرگزاری خانه ملت گفت: تلاش می‌شود موانع پیش روی لغو ویزا به منظور رونق گردشگری پیگیری شود.



لغو ویزای دو طرفه، با توجه به مزایای سفر و جابه‌جایی یکی از شاخص‌های اعتبار گذرنامه نیز محسوب می‌شود، هر چه تعداد این کشورها بیشتر شود به از آنجا جایگاه گذرنامه ایران کمک خواهد شد. شهروندان ایرانی در حال حاضر امکان سفر به ۲۲ کشور بدون ویزا و یا ویزای فرودگاهی را دارند. در حال حاضر ویزای ایران برای شهروندان کشورهای جمهوری آذربایجان، بولیوی، ترکیه، سوریه، لبنان، گرجستان، ارمنستان، ونزوئلا، مصر، مالزی و چین لغو شده است و اتباع این کشورها بدون روایید می‌توانند برای مدت مشخصی به ایران سفر کنند. ایران همچنین از سال ۲۰۱۷ تا به الان از سامانه «روایید الکترونیکی»، صدور ویزای بدون مهر و برچسب را از ۱۱۰ نقطه از جهان آسان کرده است. این سیاست نگرانی بسیاری از شهروندان را که تحت تأثیر سیاست تحریم سفر آمریکا بودند بر طرف کرده است. صدور ویزای ایران در فرودگاه‌های بین‌المللی و برخی مبادی ورودی کشور برای اتباع خارجی نیز از همان سال امکان پذیر شده است و فقط اتباع کشورهای چین، افغانستان، سومالی، آمریکا و کانادا برای دریافت ویزا باید به کنسولگری‌های مراجعه کنند و امکان دریافت ویزای فرودگاهی ندارند.

پرده نقره‌ای

حضور «گوزن» ایرانی در جشنواره برلین

فیلم کوتاه «گوزن» به عنوان نماینده ایران در بخش نسل‌های هفتاد و دومین جشنواره برلین حضور دارد.

به گزارش ایلنا، فیلم کوتاه «گوزن» به کارگردانی هادی بابایی فر و تهیه‌کنندگی هادی بابایی فر و محمود غفاری در اولین حضور بین‌المللی خود به بخش نسل‌های جشنواره برلین راه یافت.

«گوزن» تنها نماینده ایران در این بخش است. این جشنواره امسال از تاریخ ۲۱ بهمن تا اسفند به صورت فیزیکی برگزار خواهد شد.

بخش بین‌المللی این فیلم بر عهده شرکت AtoZinema به مدیریت آناهیتا مسیح‌زاده است.



در باب نمایش «آخرین ایستادن من»

با خیال من همراه می‌شوی؟



احسان زبور عالم

تعامل میان اجرا و مخاطب دایره وسیعی پیدا کرده است. کار به رقابت در یافتن راهی نو برای تجربه‌های تازه کشیده شده است تا مخاطب خود را درگیر اجرا کند. اگر زمانی قرار بود کاتارسیس از دل روایت مخاطب را تکان دهد، این روزها در پی میل شدید به نظر به‌های اجرا تمایل به کاتارسیس به واسطه درگیری ناشی از حضور مخاطب در دل اجرا یا همان روایت است. هر بار نقش مخاطب در اجرا متحول می‌شود تا آنجا که مخاطب خود بازیگر شود. شیوه‌های تئاتر شورایی اساساً مبتنی بر حضور مخاطب و نقش‌پذیری اوست؛ اما

مخاطب تئاتر شورایی در بستر روایت حرکت نمی‌کند. او خود روایت‌ساز می‌شود و دست کارگردان را می‌بندد. مخاطب حتی می‌تواند صحنه‌گردان ماجرا شود و مسیر را تغییر دهد. آواز متن تثبیت شده را مخدوش می‌کند و بر روان و اعصاب کارگردان ناخبرانه اجرا منفی می‌گذارد.

«آخرین ایستادن من» از این جنس است. نمایش که بر اساس یک متن آماده شده، تمایل دارد مخاطب را درگیر حضور کند، به خصوص آنکه متن زیربنایی اثر نیز تلاش نویسنده‌ای است برای رسیدن به حضور. «آخرین ایستادن من» برگرفته از متن مشهور سایکوسیس سارا کین، تلاش خود نویسنده برای بقا و حضور در جهان

مادی است؛ اما تلاش‌های او راه به جایی نمی‌برد. او دچار فروپاشی می‌شود. قاسمی هنر در مقام کارگردان به دنبال لمس این فروپاشی توسط مخاطب است، پس مخاطب خود را در دل اجرا می‌گذارد، آن هم در مقام همان شخصیت در تقلا.

مخاطب بیاید بر تخته مخصوص بیمار دراز بکشد و در این حالت نظاره‌گر متنی باشد که به اجرا درمی‌آید. او تجربه نزدیکی خواهد داشت از وضعیت کین در دل سایکوسیس. نمایش اشاره‌هایی مستقیمی دارد از تجربه حضور نویسنده در آسایشگاه‌های روانی، تجربه‌ای که در واژگان و لحن نمایشنامه خود را مخفی نمی‌کند. همه واژگان مذکور در دهان هشت

بازگیری است که گویا تکثیری از مخاطب است؛ اما مخاطب چه نسبتی با شخصیت روایت دارد؟ آیا او از متنی اصلی و ویژگی‌های شخصیتی، تاریخی و دراماتیک پروتاگونیست آگاهی دارد؟ اگر پاسخ مثبت باشد او با هزاران پرسش خود را درگیر نمایش می‌کند و حتی نسبت به اثر گارد می‌گیرد. او می‌خواهد بداند چه بر سر متن اولیه آماده است. او می‌بیند سارا کین دیگر در کنار نیست و هشت‌باز یگر حرف‌هایش را اقلار می‌کنند؛ اما چرا حالا خودش سارا کین اجراست و نمی‌تواند سخن بگوید. شاید کارگردان بگوید این امکان وجود داشته و این مخاطب است که لب را در می‌دود. اما هر حرف اضافه‌خارج از نمایش، نمایش را می‌تواند از مسیر

خارج کند. تعاملی که در ابتدا از آن صحبت کردم دچار اغتشاش می‌شود. اما اگر پیش‌آگاهی وجود نداشته باشد، به نظر مخاطب بیشتر ارتباط می‌گیرد. با شنیدن حرف‌ها شاید منقلب شود و حالش دگرگون می‌شود؛ اما او در پایان به آگاهی می‌رسد؟ نشانگان محدود است و به نظر مخاطب ناآگاه صرفاً برداشتی شخصی از موقعیت را ادراک می‌کند. او در ادراک فضا احتمالاً به تجربیات شخصی خود رجوع می‌کند و البته واکنش عاطفی قوی‌تری ارائه‌نشان می‌دهد.

حال به ابتدای متن بازمی‌گردم، آنجا که مسأله تعامل بین مخاطب و اجرا است. «آخرین ایستادن من» در این مسیر مردداست. نمایش تلاش می‌کند عواطف مخاطب را تحت تأثیر قرار دهد. می‌خواهد مخاطب به همان تجربه نزدیک شود؛ ولی این تجربه چه کار کردی برای مخاطب دارد؟ متأثر شدن مخاطب منجر به چه چیزی می‌شود؟ دستاورد اجرا چه چیز است؟ بدون شک هدف سرگرمی نیست. به زعم من هدف حتی کاتارسیس هم نیست. خوشبینانه هدف همان شیوه نواست و متن کین گویا این فرصت را به کارگردان می‌دهد. تجسد مخاطب در آسایشگاه شاید یک تجربه تازه به حساب آید. بسته شدن، حرکت دادن، تنها ماندن در میان اجراگران چون نما و در نهایت احساس بی‌پناهی. اما بدون متن کین گچین تجربه‌ای ممکن نمی‌شود؛ آیا مجلات کین جادویی دارد که متن دیگری توان خلق فضا را ندارد؟ آیا در نهایت آنچه اجرا می‌شود متن کین است؟ آیا متن بر اجرا چیره است؟

«آخرین ایستادن من» مقرر متن کین است؛ اما می‌توانست از چنگالش فرار کند. می‌توانست ایده خود را بلندتر و پویاتر اجرا کند. می‌توانست بیشتر وجه روانی و عاطفی را درگیر کند؛ اگر به خود و ایده اجراش بیشتر باور می‌داشت

مخاطب - البته ناآگاه از متن نمایشنامه - درگیر اجرا می‌شود. متن پراکنده است و فرار. مخاطب سلسله حرف‌ها را به بیاد نمی‌سپرد. سلسله کنش‌ها و راه‌پایان موسیقیایی سوق می‌دهد و پایان از قضاها از متن است. متعلق به اجرا است و از متن عبور می‌کند. به نظر نگارنده همین بخش مخاطب را درگیر می‌کند و او را از خویشتن خویشتن آزاد می‌کند تا بتواند واکنش عاطفی نشان دهد. موسیقی که اثری است آشنا، تحریک‌گر می‌شود و در آن رها شدن پایانی، ناگهان قطع موسیقی او را در خلا متعلق می‌کند. حال چرا اجرا در کل خود راه چنین خودبسته‌نمی‌کند؟! «آخرین ایستادن من» مقرر متن کین است؛ اما می‌توانست از چنگالش فرار کند. می‌توانست ایده خود را بلندتر و پویاتر اجرا کند. می‌توانست بیشتر وجه روانی و عاطفی را درگیر کند؛ اگر به خود و ایده اجراش بیشتر باور می‌داشت.

جوایز جشنواره بین‌المللی لهستان برای عکاسان ایرانی

خالقی زاده و میرعلی پرنده که در بخش‌های مختلف جشنواره پذیرفته شدند. فدراسیون بین‌المللی هنر عکاسی (فیآپ) که به عنوان تنها موسسه بین‌المللی در زمینه عکاسی از طرف یونسکو به رسمیت شناخته شده است، در سال ۱۹۴۶ پایه‌گذاری شد و از آن سال تاکنون واسطه‌ای برای برقراری ارتباط بین موسسات ملی عکاسی در کشورهای مختلف جهان بوده است. این فدراسیون به عنوان عضو اجرایی با موسسات ملی عکاسی در سراسر جهان همکاری نزدیک دارد که تعداد آنها به بیش از ۹۰ موسسه ملی در پنج‌قاره می‌رسد.

مهدی زابل عباسی روایت افتخار GPU (اتحادیه جهانی عکاسی) را دریافت کرد. در جشنواره بین‌المللی ووینچ که زیر نظر فدراسیون جهانی هنر عکاسی (فیآپ) و PSA برگزار شد، آثاری از عکاسان عضو کلوپ عکس فوکوس (نمایندگی فیآپ در ایران) شامل مرجان تقی پور فهندری، مهدی پارسائیان، امیدرضا پور نبی، امیرحسین هنرور، مهدی زابل عباسی، امیرحسین یوسفی کیساری، عباس حاجی حسین کلانتر، علی سامعی، احمد خطیری، رضا بردارن اصفهانی، سحر حاجی غنی زاده، سینا خانبابایی، عرفان آقابابایی، مریم

جوایز جشنواره بین‌المللی ووینچ ۲۰۲۱ در کشور لهستان به عکاسان ایرانی و همچنین جایزه بهترین کلوپ حاضر در جشنواره به کلوپ عکس فوکوس از ایران رسید. به گزارش ایسنا، جشنواره بین‌المللی ووینچ که در کشور لهستان برگزار شد، عکس «سیگار» از مرجان تقی پور فهندری مدال طلا GPU (اتحادیه جهانی عکاسی) و عکس «در میان روشنایی و تاریکی» از وی مدال نقره GPU (اتحادیه جهانی عکاسی)، عکس «مرد تنها» از عباس حاجی حسین کلانتر مدال برنز PSA (انجمن عکاسی آمریکا) و عکس «لینچان ۳» از

نمایشگاه «سپردمش به دیگری» در گالری بهروز

هر هنرمند یک نام برای این پرتره انتخاب کرده و کنار اثر خود نصب کند، زیرا وقتی خانوادگی یک پچه را به سرپرستی می‌گیرد کسی که خودشان دوست دارند را بر او می‌گذارد. این هنرمند افزود: مدیوم‌های مختلفی در این نمایشگاه استفاده شده و هنرمندان را بر این اساس انتخاب کردم که شیوه کار و نگاهشان شبیه هم نباشد، زیرا می‌خواستم با تنوع کار آن‌ها به همه عوامل متفاوتی که در تربیت یک پچه تأثیر دارد اشاره کنم. کلاژ، چاپ، نقاشی، پرفورمنس و... مدیوم‌هایی هستند که در این نمایشگاه دیده می‌شوند. اعظم یونسی، امیر سموات، اولدوز نژادی، بتی مذهبی فرد، پگاه لاری، تبسم تهیم، رایا بختیاری، شمیم جباری، شیوا سرلک، علی وفاقی نژاد، فاطمه اسلامیان، کاملیا فرزانه، کتابون عسلیان، مریم دولت آبادی، مریم صادقی، مولود عکافزاده، مهدی مشایخی، مونا جولیا، میتر بستانی، نگین اقتداری و مونا حجازی هنرمندان شرکت‌کننده در این نمایشگاه هستند.

نمایشگاه گروهی «سپردمش به دیگری» در گالری بهروز برپاست. کتابون عسلیان، نقاش و کیوریتور این نمایشگاه در گفت‌وگو با هنر آنلاین درباره شکل‌گیری این مجموعه گفت: در سال‌های اخیر رسانه‌ها در مورد فقر، اعتیاد، جنگ، نسل‌کشی، قحطی و مهاجرت غیرقانونی برنامه‌های زیادی ساخته‌اند. در همه آن‌ها قربانیان کودک کم‌نویسند و این مطلب به شدت مرا آزار می‌داد. عسلیان ادامه داد: من بدون در نظر گرفتن دلایل رهاشدگی کودک، می‌خواستم آینده‌اش را مجسم کنم. بنابراین از تعدادی هنرمند دعوت کردم تا در این پروژه همکاری کنند و به خلق اثری ایده‌محور با چند محدودیت کوچک بپردازند. او درباره دلیل استفاده از چاپ سیلک گفت: می‌خواستم همه هنرمندان دقیقاً روی یک پرتره یکسان کار کنند، گویی یک کودک یکسان (شاید در جهان‌های موازی) در اختیار افراد متفاوتی قرار گرفته است تا در آشیانه آن‌ها ببالد و رشد کند. حتی قرار بود

